

## گونه‌شناسی گفتارهای قرآنی امام موسی کاظم علیه السلام

بی بی سادات رضی بهابادی\*  
معصومه علی بخشی\*\*

### ◀ چکیده:

نظر به پیوند ناگسستنی اهل بیت علیهم السلام با قرآن و نقش ایشان برای دستیابی به فهم معارف قرآنی، شناخت گفتارهای قرآنی ائمه علیهم السلام از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. از امام موسی کاظم علیه السلام ۲۷۵ روایت قرآنی به ما رسیده است. این پژوهش به گونه‌شناسی این روایات می‌پردازد.

گفتارهای قرآنی امام کاظم علیه السلام قابل تقسیم به انواعی است: ۱. روایات تفسیری ۲. روایات تأویلی ۳. روایات تطبیقی ۴. روایات استشهادی ۵. روایات مربوط به علوم قرآنی. بیشترین روایات قرآنی امام علیه السلام با ۱۱۲ عدد، روایات تفسیری است که به بیان معنای ظاهری آیات می‌پردازد.

عصر امام کاظم علیه السلام هم‌زمان با حضور مذاهب فقهی و کلامی متعدد است؛ از این رو، استشهاد به نص و مضامین آیات قرآن، بخش عظیمی از گفتارهای قرآنی امام با ۸۱ مورد است. روایات تأویلی با ۳۹ عدد به بیان معنای باطنی و روایات تطبیقی با ۲۶ عدد به بیان مصادیق اختصاص دارد. کوچک‌ترین بخش گفتارهای قرآنی امام، روایات علوم قرآنی است که هفده روایت است.

### ◀ کلیدواژه‌ها:

امام کاظم علیه السلام، گفتارهای قرآنی، روایات تفسیری، روایات تأویلی، روایات تطبیقی، استشهادات.

\* استادیار دانشگاه الزهراء / b.razi@alzahra.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء / masumealibakhshi@yahoo.com

## ۱. طرح مسئله

بر اساس حدیث ثقلین (ر.ک: ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۱۴/ صفار، ۱۳۶۲، ص ۴۳۲) قرآن و عترت همتای یکدیگرند، و هدایت امت اسلامی در تلازم این دو ثقل است. اهل بیت (علیهم السلام) مانند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عهده‌دار تبیین آیات الهی، و اصیل‌ترین مرجع برای دستیابی به فهم معارف قرآنی‌اند؛ از این رو، روایات ایشان از منابع مهم علم تفسیر به شمار می‌رود.<sup>۱</sup>

برای استفاده دقیق از ارشادات تفسیری اهل بیت (علیهم السلام) و راهیابی به تفسیر صحیح قرآن، گونه‌شناسی این روایات ضروری است. توضیح اینکه در تفسیر مآثور از اهل بیت (علیهم السلام) تفسیر ظاهر و باطن به هم آمیخته است، همچنان که آمیختگی بین تفسیر و تطبیق به چشم می‌خورد، و آن موردی است که حدیث به یکی از مصادیق یا بارزترین مصداق اشاره دارد، اما برخی مفسران، این‌گونه روایات را تفسیر پنداشته (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۶۹) و دچار تکلف شده‌اند.<sup>۲</sup> علاوه بر این، گونه‌شناسی روایات قرآنی، زمینه پاسخ‌گویی به شبهه کسانی را فراهم می‌آورد که شیعه را به گرایش افراطی به تفسیر باطنی متهم می‌کنند. (ذهبی، بی تا، ج ۳، ص ۷۷)

از هفتمین امام شیعیان، حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) روایاتی قرآنی صادر شده است. این روایات در کتب حدیثی و تفاسیر روایی پراکنده است. این پژوهش بر مبنای گردآوری و احصاء این روایات، به این پرسش پاسخ می‌دهد که روایات قرآنی امام، مشتمل بر چه گونه‌هایی است؟ و میزان فراوانی هر یک چگونه است؟ در این پژوهش، از ترکیب روایات (گفتارهای) قرآنی به جای روایات تفسیری استفاده، و دلیل آن در متن ذکر شده است.

## ۲. گذری بر زندگی امام موسی کاظم (علیه السلام)

بنا بر قول مشهور، ولادت امام کاظم (علیه السلام) در هفتم صفر سال ۱۲۸ هـ ق در ابواء- منطقه‌ای حد فاصل بین مکه و مدینه- و در زمان حکومت عبدالملک بن مروان بوده است. پدر بزرگوارشان امام صادق (علیه السلام) و مادرشان حمیده است. (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶)

ابو‌ابراهیم، ابوالحسن اول، ابوالحسن ماضی و ابوعلی، کنیه‌های خاص امام کاظم علیه السلام و مشهورترین القاب ایشان، کاظم، صابر، صالح، عبد صالح و امین است. (مفید، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۸) از جمله مناقب و فضایل امام علیه السلام می‌توان به علم و دانش، عبادت و تقوا، علم و کثرت صدقات ایشان اشاره کرد. (ر.ک: امین، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۳۵) امام موسی بن جعفر علیه السلام پس از رحلت پدر بزرگوارشان در سال ۱۴۸ هـ ق رهبری شیعیان را به عهده گرفتند، و پس از ۳۵ سال امامت در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هـ ق در زندان هارون الرشید در سن ۵۵ سالگی به شهادت رسیدند. (ر.ک: ابن صباغ، بی‌تا، ص ۲۴۱)

امامت ایشان هم‌زمان با خلافت چهار تن از خلفای عباسی، منصور عباسی (۱۵۸م)، مهدی عباسی (۱۶۹م)، هادی عباسی (۱۷۰م) و هارون الرشید (۱۹۳م) بود. عصر امام کاظم علیه السلام از نظر علم و دانش، یکی از درخشان‌ترین اعصار اسلامی بوده است. در این دوران، دیوان‌ها و کتب دانشمندان ایران، یونان و هند به زبان عربی ترجمه می‌شد. فلسفه و کلام و ادبیات و دیگر شاخه‌های علوم در اوج اعتلای خود بود. (ر.ک: ابراهیم حسن، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۲۹۶) دانشمندان و مجامع بحث و گفت‌وگو، امام علیه السلام را «عالم و دانشمند» می‌نامیدند. (امین، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۳۵)

### ۳. گفتارهای (روایات) قرآنی

در این مقاله، به منظور پرهیز از خلط احادیث تفسیری با سایر موارد، عنوان گفتارهای قرآنی به جای روایات تفسیری به کار رفته است. توضیح اینکه با مراجعه به تفاسیر روایی درمی‌یابیم بیشتر این روایات در پی تفسیر آیه نیست، زیرا تفسیر به معنای بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آنهاست. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴/ نیز ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۶۸) در حالی که بیشتر این احادیث از این قبیل نیست. علامه طباطبایی در بحث‌های روایی *تفسیر المیزان*، همه روایات را تفسیری نمی‌داند. او بسیاری از موارد را جری و تطبیق و یا بیان مصداق برمی‌شمرد. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۱، ۴۲، ۴۶ و ۳۹۲؛ ج ۲، ص ۵۹؛ ج ۷، ص ۲۴۰ و ۳۵۰؛ ج ۲۰، ص ۳۰۸) و برخی از موارد را از قبیل بطن دانسته است. (ر.ک: همان، ج ۱۹،

ص ۳۰۲؛ ج ۱۶، ص ۲۹۳؛ ج ۱۴، ص ۲۳۰؛ نیز ر.ک: دیاری، ۱۳۹۰، ص ۵۸ و ۶۰)

در تفاسیر روایی، علاوه بر جری و بطن، مواردی از قبیل استشهاد، خواص و فضایل سور و سبب نزول نیز وجود دارد؛ از این رو، در تعریف احادیث تفسیری گفته‌اند: احادیثی است که به شأنی از شئون قرآن کریم مربوط باشد، خواه به نزول آن مربوط باشد، و یا به قرائت آن، به معانی ظاهری آیه مربوط باشد، یا معانی باطنی آن به تنزیل آیات پردازد یا به تأویل آن (احسانی فر، ۱۳۸۵، ص ۴۶۵) که البته مراد ما از گفتارهای قرآنی، همین تعریف است.

لازم است ذکر شود که عمده پژوهشگرانی که به روایات قرآنی اهل بیت (علیهم السلام) و روش‌شناسی تفسیر ایشان پرداخته‌اند، بیشتر اصطلاح روایات تفسیری را به کار برده‌اند، و این عنوان را شامل همه احادیث دانسته‌اند که در مورد قرآن از ائمه (علیهم السلام) صادر شده است که به نظر ما این تعبیر دقیق نیست، و روایات تفسیری تنها بخشی از سخنان ائمه (علیهم السلام) در مورد قرآن است؛ از این رو، در این پژوهش، عنوان گفتارهای قرآنی را انتخاب کرده‌ایم.

#### ۴. گفتارهای قرآنی امام موسی کاظم (علیه السلام)

در ابتدای پژوهش، این احادیث از کتب معتبر حدیثی نظیر کافی، استبصار، تهذیب الاحکام، من لایحضره الفقیه، عیون اخبار الرضا، الاختصاص و تفاسیر روایی مثل عیاشی و نور الثقلین گردآوری شد. علاوه بر آن، کتاب مسند امام کاظم (علیه السلام) و موسوعة المصطفی والعترة تألیف حسین شاکری در استخراج روایات، مورد نظر بوده است. این روایات در کتب مذکور به صورت پراکنده و بدون نوع‌شناسی آمده است.

کتاب مسند امام موسی کاظم (علیه السلام) تألیف عزیزالله عطاردی و کتاب بلاغة الامام موسی کاظم (علیه السلام) تألیف ابوجعفر الکلبی. احادیث امام کاظم (علیه السلام) را بر اساس موضوع تقسیم کرده‌اند، و عنوان کتاب قرآن در اولی و القرآن در دومی دربرگیرنده بخشی از گفتارهای قرآنی امام (علیه السلام) آن هم بدون نوع‌شناسی است.

حاصل این گردآوری ۲۷۵ روایت قرآنی بود<sup>۳</sup> که مبنای گونه‌شناسی قرار گرفت.

گفتنی است بیشتر گفتارهای قرآنی امام علیه السلام روایاتی است که در آن، آیه یا بخشی از آیه ذکر شده است. در برخی روایات، آیه یا بخشی از آن ذکر نشده است، اما صاحبان تفاسیر روایی، این روایات را ذیل آیات ذکر کرده‌اند، زیرا توضیحات امام علیه السلام مبین آیه است؛ برای نمونه، در روایتی از امام کاظم علیه السلام آمده است که فرمودند: «در ۲۵ ذی القعدة خانه کعبه بنا نهاده شد، و آن اولین رحمت خداست که در روی زمین قرار داده شد، و خداوند آن را پناهگاه و محل امنی برای مردم قرار داد، پس هر کس این روز را روزه بدارد، خداوند روزه شصت ماه را برای او می‌نویسد.» (عروسی حویزی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۶۵)

روایت مذکور در تفاسیر نقلی ذیل آیه «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۹۶) به عنوان بیان تفسیری آیه آمده است، در حالی که در روایت، به صراحت آیه فوق ذکر نشده است.

#### ۴-۱. گونه‌های گفتارهای قرآنی امام کاظم علیه السلام

انواع احادیث تفسیری اهل بیت علیهم السلام در کتب و تفاسیر روایی در کنار هم و بدون تفکیک ذکر شده است، اما این روایات به گونه‌هایی قابل تقسیم است. برخی آن را به سه دسته احادیث مفسر، احادیث مربوط به نزول مثل سبب، مورد، ترتیب، زمان و مکان آن و احادیث خواص و فضایل سور تقسیم کرده‌اند. (احسانی فر، ۱۳۸۵، ص ۴۶۶) برخی آن را به سه گونه روایات بیانگر معانی و مصادیق واژگان، روایات بیانگر مفاد آیات و روایات بیانگر بطن و تأویل تقسیم کرده‌اند. (بابایی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۳-۲۲۷) یکی از کامل‌ترین گونه‌شناسی‌ها با معیار کارکردها عبارت است از: ترسیم فضای نزول، ایضاح لفظی، ایضاح مفهومی، بیان مصداق، بیان لایه‌های معنایی، بیان حکمت و علت حکم، استناد به قرآن، بیان اختلاف قرائت، پاسخ‌گویی با قرآن و تعلیم تفسیر. (مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۳-۲۱)

در این پژوهش، گفتارهای قرآنی امام کاظم علیه السلام با توجه به کارکردها به انواع روایات تفسیری، روایات تأویلی، روایات تطبیقی، استشهادات و روایات مربوط به

علوم قرآنی تقسیم شده است.

#### ۴-۱-۱. روایات تفسیری

اولین نوع گفتارهای قرآنی امام کاظم علیه السلام روایاتی است که امام علیه السلام در آن، به تبیین معنای ظاهری آیات می‌پردازد که از آن به عنوان روایات تفسیری یاد می‌شود. همان‌گونه که گذشت، اصطلاح روایات تفسیری، معمولاً بر کل گفتارهای قرآنی ائمه علیهم السلام اطلاق می‌شود، اما ما روایات تفسیری را بخشی از گفتارهای قرآنی امام علیه السلام می‌دانیم. روایات تفسیری با ۱۱۲ عدد، بخش اعظم گفتارهای قرآنی امام موسی کاظم علیه السلام را تشکیل می‌دهد، و خود قابل تقسیم به انواعی است که در ذیل به طور مختصر به آن پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱-۱-۱. تبیین واژه‌های قرآنی

نخستین گام در تفسیر قرآن، فهم واژگان آن است و دست یافتن به مفهوم واژه‌ها در زمان نزول از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در این خصوص، روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام منبع مهمی برای فهم واژگان به حساب می‌آید. برخی از روایات تفسیری منقول از موسی بن جعفر علیه السلام به تبیین واژه‌های قرآنی اختصاص دارد؛ برای نمونه، حسین بن بشار از امام علیه السلام درباره آیه «وَيُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» (بقره: ۲۰۵) پرسید. ایشان فرمود: «النَّسْلُ الذَّرِيَّةُ وَالْحَرْثُ الزَّرْعُ» (عروسی حویزی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۰۳) از امام کاظم علیه السلام درباره آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» سؤال شد که آن‌ها چه کسانی هستند و معنی إحصانها چیست؟ امام علیه السلام فرمود: آنان پاک‌دامنان از زنانشان هستند. در روایت، امام علیه السلام إحصانها را به «العفاف» تفسیر کرده‌اند.

از جمله معانی احصان در لغت، عفت و پاکدامنی است. (رک: فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۱۸/ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۱۹/ طریحی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۲۳۷)

#### ۴-۱-۲. تبیین اصطلاحات شرعی

در بخشی از روایات تفسیری منقول از امام کاظم علیه السلام به تبیین برخی موضوعات مصطلح

در شرع همچون غیبت، توکل، ایمان، عجب پرداخته می‌شود؛ برای مثال، از امام علیه السلام درباره آیه «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳) سؤال شد. ایشان فرمودند: توکل بر خدا درجاتی دارد، یکی آنکه در همه کار، خود بر او توکل کنی، و هر چه با تو کند، راضی باشی و بدانی در خیرخواهی تو کوتاهی نکند، و بدانی که اختیار با اوست. پس توکل کن بر خدا به واگذاری همه اینها به وی و به او اعتماد داشته باش در آن و جز آن. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۵) امام کاظم علیه السلام در این روایت به تبیین اصطلاح توکل می‌پردازند.

تبیین معنای غیبت نیز از این قبیل است. نوع مفسران در ذیل آیه ۱۲ سوره حجرات از قول یحیی بن ارقز آورده‌اند که امام علیه السلام به من فرمود: «مَنْ ذَكَرَ رَجُلًا مِنْ خَلْفِهِ بِمَا فِيهِ مِمَّا عَرَفَهُ النَّاسُ لَمْ يَغْنَبْهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا لَا يَعْرِفُهُ النَّاسُ اغْتَابَهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بَهْتَهُ.» (عروسی حویزی، ۱۳۸۲ق، ج ۵، ص ۹۴) هر کس از مردی چیزهایی که در اوست و مردم آن را می‌دانند، پشت سرش نقل کند، غیبت او را نکرده است و هر کس که پشت سرش آنچه در اوست و مردم نمی‌دانند، ذکر کند، غیبت او را کرده است و اگر آنچه در او نیست، ذکر کند، به او بهتان زده است.

#### ۴-۱-۱-۳. شرح و توضیح آیات

بخش دیگر روایات تفسیری امام کاظم علیه السلام به شرح و توضیح و رفع ابهام از آیات اختصاص دارد. در این نوع روایات تفسیری، شرح و توضیح امام کاظم علیه السلام اغلب بعد از ذکر آیه آمده است. گاه نیز توضیحات امام در بین آیه و لابلای کلمات آن ذکر شده است. این روایات گاه در پاسخ به سؤال راوی وارد شده است. عبدالله بن جارود گوید: از امام علیه السلام درباره آیه «فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ» (بقره: ۱۹۶) پرسیدم: امام فرمود: روز قبل از ترویبه، روز بعد از ترویبه و روز عرفه را روزه بدارد. (عیاشی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۲) برخی از روایات بدون طرح شدن سؤالی از سوی راوی صادر شده است. امام علیه السلام درباره آیه «وَلْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج: ۲۹) فرمود: «طَوَافُ الْفَرِيضَةِ، طَوَافُ النِّسَاءِ: طَوَافُ وَاجِب، طَوَافُ نِسَاءِ اسْت.» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۵۱)

امام کاظم علیه السلام درباره آیه «وَلَا يَأْبُ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا» (بقره: ۲۸۲) فرمودند: هنگامی که مردی تو را دعوت کرد که بر دین یا حقی شهادت دهی، شایسته تو نیست که تأخیر کنی. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۳۸۰)

امام علیه السلام در تفسیر آیه «وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ» (انبیاء: ۷۸) فرمود: حکم داوود این بود که گوسفندان را به صاحب مزرعه دهد، و آنچه را خداوند به سلیمان تفهیم کرد، این بود که: شیر و پشم همه آن سال را برای صاحب مزرعه حکم کند. (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۳۱)

#### ۴-۱-۲. روایات تأویلی<sup>۳</sup> (باطنی)

روایات تأویلی آن دسته از روایات و گفتارهای قرآنی است که امام کاظم علیه السلام در آن، به بیان معنای باطنی آیه می‌پردازد. این روایات ۳۹ عدد است. مراد از معنای باطنی، مفاهیم گسترده و دامنه‌داری است که در پس ظاهر کلام قرار دارد و بی‌ارتباط با آن نیست. علامه طباطبایی بر آن است که ظاهر قرآن معنای آشکاری است که در آغاز از آیه فهمیده می‌شود و باطن آن، معنایی است که زیر آن ظاهر است چه یکی باشد و چه بیش از آن، چه نزدیک و چه دور و بین آن واسطه باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۷۴) روایات زیادی از طریق شیعه و سنی در خصوص ظاهر و باطن قرآن وارد شده است؛ برای مثال، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «و ما فی القرآن آیه إلا و لها ظهر و بطن» آیه‌ای در قرآن نیست مگر آنکه ظهر و بطنی دارد. درباره این روایت از امام باقر علیه السلام سؤال شد، ایشان فرمود: «ظهر قرآن، تنزیل آن و بطن آن، تأویلش است.» (صفار، ۱۳۶۲، ص ۲۱۶) مطابق این روایت، تأویل قرآن به معنای بطن قرآن است. آیت‌الله معرفت، ضمن بحث از تأویل می‌نویسد: تأویل، گاهی به «بطن» یعنی معنای ثانوی و پوشیده‌ای که از ظاهر آیه به دست نمی‌آید، هم تعبیر شده است، در مقابل «ظهر» یعنی معنای اولیه‌ای که ظاهر آیه بر حسب وضع و کاربرد، آن معنا را می‌فهماند.» (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۱)

نمونه‌ای از روایات تأویلی، روایتی است که علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده است. او می‌گوید: به موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم: تأویل آیه



«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْحَابَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (ملک: ۳۰) چیست؟ ایشان فرمود: هنگامی که امام خود را از دست دادید، چه کسی برای شما امام تازه خواهد آورد؟ (نعمانی، بی تا، ص ۱۷۶) گفتنی است ظاهر آیه مربوط به آب جاری است که مایه حیات موجودات زنده است، و باطن آیه مربوط به وجود امام و علم و عدالت جهان‌گستر اوست که آن نیز مایه حیات جامعه انسانی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۳۶۰) امام کاظم علیه السلام درباره سخن خداوند عزّ و جل «يُخَيِّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (روم: ۱۹) فرمود: زنده شدن زمین با باران نیست، و اما خداوند مردانی را برمی‌انگیزد که عدل را زنده می‌کنند، و زمین به خاطر احیای عدل زنده می‌شود، و برپایی حدود خداوند در زمین از باران چهل صباح سودمندتر است. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۱۷۴/طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۱۴۶)

منظور از احیای زمین بعد از مردنش، آن حالتی است که زمین در فصل بهار به خود می‌گیرد، و گیاهان از آن بیرون می‌آیند و سبز و خرم می‌شوند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۶۲) امام علیه السلام در این روایت، احیای معنوی زمین به عدالت را از احیای زمین به باران سودمندتر دانسته، و در واقع معنای ژرف‌تر و عمیق‌تر از آیه بیان داشته است.

#### ۳-۱-۴. روایات جری و تطبیق

اصطلاح جری برگرفته از روایات است. امام باقر علیه السلام می‌گوید: اگر این طور باشد که وقتی آیه‌ای درباره قومی نازل شد، پس از آنکه همان قوم مردند، آیه نیز بمیرد، از قرآن چیزی باقی نمی‌ماند، اما قرآن تا آسمان‌ها و زمین هست، جاری است و برای هر قومی، آیه‌ای است که آن را می‌خوانند، و از آن بهره نیک یابند. (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰) علامه طباطبایی می‌نویسد: «هرگز مورد نزول آیه‌ای مخصوص آن آیه نخواهد بود. یعنی آیه‌ای که درباره شخصی یا اشخاص معینی نازل شده، در مورد نزول خود منجمد نمانده به هر موردی که در صفات و خصوصیات با مورد نزول آیه شریک است، سرایت خواهد کرد، و این خاصه همان است که در عرف روایات به نام "جری" نامیده می‌شود.» (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۴۲) و شیوه اهل بیت چنین است که آیات را بر آنچه قابل تطبیق

باشد، منطبق می‌کند گرچه از مورد نزول آن‌ها خارج باشد. (همان، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۲)

جری و تطبیق، عبارت است از انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیق، هرچند برخی جری را منحصر به مصادیقی می‌دانند که خارج از مورد نزول باشد. (شاکر، ۱۳۸۱، ص ۱۴۷) به عبارت دیگر، انطباق مفاهیم آیات بر شخص یا حادثه و قضیه معین جری و تطبیق است.

لازم است ذکر شود روایات تطبیقی به فرض صحت سند و جهت صدور، هرگز عمومیت آیه را محدود نمی‌کند، و بیان مصداق کامل یا یک مصداق، مصادیق دیگر را نفی نمی‌کند، و آیه به عمومیت خود باقی می‌ماند، مگر در آیاتی که دارای مصادیق انحصاری است. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۶۸)

روایات تطبیقی امام کاظم علیه السلام که ۲۶ عدد است، به لحاظ نوع مصداق‌ها به سه دسته قابل تقسیم است: الف. روایاتی که مصداق انحصاری آیات را بیان می‌کند؛ ب. روایاتی که مصداق اکمل آیات را ذکر می‌کند؛ ج. روایاتی که مصداق عمومی آیات را مطرح می‌کند.

#### ۴-۱-۳-۱. مصداق انحصاری

برخی از آیات قرآن، دارای مصادیق منحصر به فردند و این امر به خاطر ویژگی‌های آیه است که منحصراً قابل تطبیق بر مصداق خاصی است و بر غیر آن قابل تطبیق نیست، و نمی‌توان مصداق‌های دیگری برای آیه ذکر کرد. برای مثال، امام کاظم علیه السلام در مورد آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) فرمودند: [منظور از اُولی الْأَمْرِ] علی بن ابیطالب و اوصیای بعد از اوست. (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۵۳)

در آیه، اطاعت از اُولی الْأَمْرِ در کنار اطاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر شده، و این اطاعت به طور مطلق، واجب است. اطاعت مطلق از افراد در صورتی واجب است که آنان معصوم باشند، پس اُولی الامر نیز مثل رسول صلی الله علیه و آله باید معصوم و مصون از خطا باشد. بدیهی است که تنها علی بن ابی‌طالب علیه السلام و اوصیای بعد از ایشان، معصوم بوده و

آیه، قابل انطباق بر دیگر مصادیق نمی‌باشد. هر چند برخی اولی الامر را به فقها و علما تفسیر کرده‌اند. (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۷۶/ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۰۴)

#### ۴-۳-۱. مصداق اکمل

برخی از آیات قرآن، دارای مصادیق با مراتب مختلف‌اند، لذا کامل‌ترین و عالی‌ترین مصداق آن آیه، مصداق اکمل آیه محسوب می‌شود. پرسش سلیمان بن جعفر از امام علیه السلام در مورد آیه ۶۳ و ۶۴ فرقان از این قبیل است: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا\* وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا» امام علیه السلام فرمود: «هم الائمة يتقون في مشيهم» آنان ائمه هستند که در مشی خود تقوایشه‌اند. (عروسی حویزی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۶) بدیهی است ائمه علیهم السلام بارزترین مصداق آیه‌اند نه مصداق منحصر.

امام علیه السلام درباره آیه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ» فرمود: اولوالعلم، امام است. (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۶۹) پرواضح است که مصداق اکمل و اتم دانشمندان، امامان معصوم علیهم السلام هستند.

#### ۴-۳-۱. مصداق عمومی

گاه روایت، یکی از مصداق‌های عام آیه را مطرح می‌کند، ولی معنای آیه منحصر در آن مصداق نیست؛ برای مثال، امام درباره آیه «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف/۳۱) می‌فرماید: از آن جمله شانه زدن موها هنگام هر نماز است. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۴۸۹) این یکی از مصادیق زینت است. پوشیدن بهترین لباس از مصادیق دیگر است که در روایات ائمه علیهم السلام به آن اشاره شده است. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۳۷) امام کاظم علیه السلام درباره آیه «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا» (کهف: ۱۰۳) فرمود: آن‌ها کسانی هستند که حجة الاسلام را به تأخیر می‌اندازند و آن را به آینده موکول می‌کنند. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۱۱) بدیهی است تأخیر حج از مصادیق خسران است.

## ۴-۱-۴. روایات استشهدادی

در معنای استشهداد گفته‌اند مثال و شاهد آوردن برای اثبات مقصودی، استدلال و احتجاج کردن (دهخدا، بی تا، ج ۶، ص ۲۱۵۹) گواهی خواستن و به گواهی خواندن (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۹۶) منظور ما از استشهدادات آن دسته از روایاتی است که امام علیه السلام آیه یا مفهوم آیه را برای شاهد و گواه بر دیدگاه خود ذکر کرده‌اند. به عبارت دیگر، امام علیه السلام اعتقاد یا اتخاذ دیدگاه خود را دربارهٔ مطلبی یا موضوعی به آیه یا آیاتی از قرآن و یا مفاهیم آیات مستند کرده‌اند.

استشهدادات ائمه علیهم السلام به آیات قرآن کمتر مورد توجه کسانی که به روایات تفسیری ائمه علیهم السلام پرداخته‌اند، قرار گرفته است. در بررسی‌های انجام شده در پژوهش حاضر، مشخص شد که بخش قابل ملاحظه‌ای از گفتارهای قرآنی امام کاظم علیه السلام با تعداد ۸۹ روایت به استشهدادات، اختصاص می‌یابد. این مسئله شاید به نوعی بیانگر اوضاع و شرایط دوران امام کاظم علیه السلام باشد.

عصر امام کاظم علیه السلام هم‌زمان با اولین دوران خلافت عباسی (۱۳۲-۲۳۲ ق) است. این دوران، زمان اقتدار خلفای عباسی است و از نظر علم و دانش، یکی از درخشان‌ترین اعصار اسلامی است. از بارزترین ویژگی‌های عصر امام علیه السلام حضور فرق مختلف کلامی، مذاهب فقهی و ملحدان است. در این زمان، افزون بر انحرافات گذشته که میراث امویان بود، با نفوذ فرهنگ‌های بیگانه، محیط فرهنگی دنیای اسلام آلوده‌تر شده بود. فرقه‌های مختلف سر برآورده، و هر کدام تحت تأثیر اندیشه‌های یونانی و هندی و ایرانی، به نوعی به تفسیر دین می‌پرداختند. فرقه معتزله که عقل‌گرایان دنیای اسلام بودند، به ده‌ها فرقه باورهای مختلف تقسیم شده بودند. گروه‌های دیگری با تکیه بر احادیث ضعیف، خداوند را به انسان تشبیه می‌کردند. (جعفریان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۹۴-۲۹۵) پدیدهٔ زندیق‌ها که دوران امویان در جامعهٔ اسلامی انتشار یافت، فعالیت آنان در دوران اول عباسی شدت گرفت. ملحدان و زنادقه در جامعه، قصد فاسد کردن اجتماع اسلامی و بد جلوه دادن اسلام را داشتند؛ البته باید گفت برخی به دلیل عوامل سیاسی، متهم به بی‌دینی می‌شدند، و گاهی این اتهام وسیله‌ای برای از بین بردن دشمنان هاشمی خلفا

بود. (قرشی، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۲)

در زمینه فقه، دو مکتب اساسی وجود داشت. یکی مکتب اهل قیاس و رأی به پیشوایی ابوحنیفه نعمان بن ثابت (۸۰-۱۵۰ ق) که مرکز آن در عراق بود و (ر.ک: ذهبی، محمد بن احمد، بی تا، ج ۴، ص ۲۶۵) و دیگری مکتب اهل حدیث به پیشوایی مالک بن انس (۱۷۹-۹۳) که مرکز آن مدینه بود. (ر.ک: زرکلی، ۱۹۹۹م، ج ۵، ص ۲۵۷)

در چنین فضایی، رسالت اصلی امامان، پاسداری از مرزهای فکری شیعه در زمینه فقه، کلام و یا تفسیر بود، و خط فکری آنان دفاع از قرآن و حدیث و نص‌گرایی معقول بود. (جعفریان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۹۵) امام کاظم علیه السلام با بیانات و مناظراتی که خود و یارانش در موقعیت‌های مختلف داشتند، سعی در اصلاح و پاکسازی محیط اسلامی از کفر و الحاد و عقاید گمراه‌کننده و نشان دادن حقایق و ارشاد و رهبری گمراهان داشتند.

روایات استشهادی امام علیه السلام به دو بخش استشهاد به نص آیات و استشهاد به مضمون آیات قابل تقسیم است.

#### ۴-۱-۴. استشهاد به نص آیات

امام کاظم علیه السلام در برخی روایات با استدلال به نص آیه یا آیاتی از قرآن به بیان موضوع و مسئله‌ای پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، امام علیه السلام آیه یا آیات قرآن را به عنوان دلیل بر سخن خود ذکر کرده‌اند. این روایات اغلب به مسائل فقهی و کلامی اختصاص دارد.

#### ۴-۱-۴. استشهدات اعتقادی

امام علیه السلام در مسائل اعتقادی و کلامی به آیات قرآن، استناد و آیات قرآن را دلیل بر سخن خویش ذکر کرده‌اند. برخی از این موارد عبارت است:

رؤیت خداوند: امام در پاسخ شخصی که از ایشان پرسید: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله خداوند عزّ و جل را دید؟ فرمود: بله با قلبش او را دید، آیا نشینده‌ای که خداوند عزّ و جل می‌فرماید:

«مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى» (نجم / ۱۱) پیامبر خدا را با دیده ندید و اما او را با قلب دید.

(عروسی حویزی، ۱۳۸۲ق، ج، ص ۱۵۳)

امامت و خلافت: خلفای عباسی، همواره سعی در مشروع جلوه دادن خلافت خویش داشته، و اقدامات مختلفی را برای مشروع نشان دادن خلافت خود انجام داده‌اند؛ انتسابشان به پیامبر ﷺ از جمله این اقدامات بود. آن‌ها خود را پسر عموی پیامبر ﷺ می‌دانستند، و از این طریق، خلافت را حق خویش دانسته، و در مقابل، سعی در انکار این مسئله داشتند که ائمه علیهم‌السلام نمی‌توانند ذریهٔ پیامبر ﷺ محسوب شوند، زیرا ایشان فرزندان دختر پیامبر ﷺ هستند و فرزندان دختر، ذریه محسوب نمی‌شود. علاوه بر این، انکار برتری امام علی علیه‌السلام بر عباس عموی پیامبر ﷺ و جد خود از دیگر اقدامات آن‌ها بود.

امام کاظم علیه‌السلام در موقعیت‌های مختلف با استناد به آیات قرآن، عوام‌فریبی خلفای عباسی و عدم مشروعیت خلافتشان را نشان می‌دادند، و بر حقانیت خویش با بیانی مستدل تأکید می‌کردند.

روزی هارون الرشید به امام کاظم علیه‌السلام گفت: چگونه و به چه دلیل می‌گویید ما نسل و ذریهٔ پیامبر ﷺ هستیم؟ حال آنکه پیامبر از خود نسلی بر جای نگذاشت، و نسل انسانی از اولاد ذکور است نه اولاد اناث، و شما فرزندان دختر او هستید، در حالی که دختر نسل ندارد؟ امام از پاسخ دادن معافیت خواستند، اما هارون اصرار کرد که امام از قرآن دلیل بیاورند. امام علیه‌السلام فرمود: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ... وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ. وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى وَ عِيسَى وَ إِبْرَاهِيمَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ» (انعام: ۸۴-۸۵) پدر عیسی کیست؟ یا امیرالمؤمنین! گفت: عیسی پدر ندارد، گفتم: پس ما او را از طریق مریم علیها‌السلام به سایر فرزندان انبیا ملحق کردیم، و به همین ترتیب، ما نیز از طریق مادرمان فاطمه علیها‌السلام به نسل رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ملحق می‌شویم. (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۴-۸۵ / مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۶ / حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۸)

در روایت طولانی آمده است، هارون به امام کاظم علیه‌السلام گفت: می‌خواهم دربارهٔ علی و عباس از تو پرسشی کنم. چرا علی برای میراث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از عباس برتر است در حالی

که عباس، عموی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و برادر تنی پدرش بود؟ پس امام موسی علیه السلام به او فرمود: از من در گذر. هارون گفت: به خدا که در نمی‌گذرم. جوابم بده. امام علیه السلام فرمود: اگر از پاسخ‌گویی من در نمی‌گذری، پس مرا امان ده. هارون گفت: به تو امان دادم. امام علیه السلام فرمود: به درستی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای آن کس که توان هجرت را داشت، ولی هجرت نکرد، ارث نگذاشت. به راستی عباس ایمان آورد، ولی هجرت نکرد، و علی علیه السلام ایمان آورد و هجرت کرد و خداوند فرمود: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلَا يَتَّبِعِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا» (انفال: ۷۲) رنگ از رخسار هارون پرید و دگرگون شد. (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۵/ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۷)

#### ۴-۱-۴-۱-۲. استشهادات فقهی

امام علیه السلام در پاسخ به سؤالات فقهی، به آیات قرآن استناد کرده‌اند. در ذیل نمونه‌های آن ذکر می‌شود:

روژه: شخصی از امام علیه السلام پرسید: روزه در ماه چگونه است؟ فرمود: سه روز در ماه، در هر ده روز یک روزه بگیرد. به درستی که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا.» (انعام: ۱۶۰) سه روز در ماه روزه دهر (معادل روزه تمام عمر) است. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۹۳)

آیه مذکور در روایت یکی از نعمت‌های خدا بر بندگان را بیان می‌کند که خداوند عمل نیک را ده برابر پاداش می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۵۳۸) امام علیه السلام با استناد به آیه مذکور، ثواب روزه یک روز را برابر ده روز و روزه سه روز را برابر روزه یک ماه دانسته‌اند.

صفوان بن یحیی الأرزق به امام کاظم علیه السلام گفت: مردی پوست قربانی را به کسی که آن را از پوست در می‌آورد، می‌دهد. فرمود: اشکالی ندارد، خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: «فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا» (حج: ۳۶) و پوست خورده نمی‌شود و اطعام داده نمی‌شود. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۹۹)

علی بن جعفر از برادرش موسی علیه السلام گوید: از ایشان درباره اهل مکه پرسیدم که آیا

برای آن‌ها شایسته است که از عمره تمتع به حج باز آیند؟ فرمود: متعه برای اهل مکه صلاح نیست و آن سخن خداوند است: «ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (بقره: ۱۹۶). (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۴)

#### ۴-۱-۲. استشهاد به مضمون آیات

در برخی روایات، اشاره صریح به آیات نشده است. به عبارت دیگر، امام علیه السلام در بیان خویش به مفاهیم آیات قرآن بدون ذکر آیه استناد و استشهاد کرده‌اند. در واقع در این گونه روایات، بیان و گفته امام علیه السلام در بردارنده مفهوم و مضمون یک یا چند آیه از قرآن می‌باشد.

نفقہ: عبدالله بن ابان گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره نفقه بر عیال پرسیدم؟ پس فرمود: نفقه آن است که بین دو مکروه است یعنی بین اسراف و اقتدار. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۹)

روایت مذکور ذیل آیه «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷) آمده است. اسراف و کم کردن راجع به اندازه توانایی بندگان است یعنی انفاقشان در حد تعادل است نه زیاده‌روی می‌کنند که بالاتر از توانایی خود بدهند، و نه کمتر از شأن انفاق می‌کنند. منظور از قوام حد وسط است. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۳۲۲)

انفاق: امام علیه السلام در مورد انفاق از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند: «مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسَهُ بِالنَّفَقَةِ». (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۴۰)

مفسران، آیه را ذیل این آیه نقل کرده‌اند: «قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرْ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (سبأ: ۳۹) آیه مذکور، تشویق و ترغیبی بر انفاق است و بیان می‌کند هر چه انفاق کنید چه کم چه زیاد، خدا عوض آن را به شما می‌دهد یا در دنیا یا در آخرت و او بهترین روزی‌رسان است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۵۸۱) خلف (عوض) در روایت اشاره به مضمون آیه دارد.



## ۴-۱-۵. روایات مربوط به علوم قرآنی

علوم قرآن، مجموعه‌ای مسائل است که درباره قرآن بحث می‌کند (صبحی صالح، ۱۹۹۰م، ص ۱۰) یا مباحثی است متعلق به قرآن کریم (زرقانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۷) مباحثی بیرونی که به درون و محتوای قرآن از جهت تفسیری کاری ندارد. (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۷)

اسباب النزول، علم قرائت، ناسخ و منسوخ، اعراب قرآن، غریب‌القرآن محکم و مشابه، اعجاز قرآن و خواص و فضایل سور و آیات از جمله مباحث علوم قرآن است. در گفتارهای قرآنی امام کاظم علیه السلام مباحثی مربوط به برخی از علوم قرآن مطرح شده است.

## ۴-۱-۵-۱. قرائت

قرائت، تلفظ الفاظ قرآن کریم است به همان صورت و کیفیتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله تلفظ می‌کرد، و یا عبارت است از خواندن و تلفظ قرآن به همان صورت و کیفیتی که در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله خوانده می‌شد، و آن حضرت آن تلفظ و خواندن را تأیید می‌کردند. (فضلی، ۱۳۷۸، ص ۸۰) ائمه معصومین علیهم السلام در موقعیت‌های مختلف مردم را به قرائت‌های متداول و معروف عصر خودشان راهنمایی و هدایت می‌کردند؛ به عبارت دیگر، قرائت‌های مشهور میان مردم را امضا می‌کردند. امام کاظم علیه السلام نیز ضمن روایتی مردم را به قرائت قرآن، همان‌گونه که آموخته‌اند، دعوت می‌کند.

یکی از اصحاب امام کاظم علیه السلام به ایشان گفت جانم فدایت، به درستی ما آیاتی در قرآن می‌شنویم که آن‌ها در نزد ما چنان نیستند که شنیده‌ایم و ما نمی‌توانیم آن را چنان‌که از شما به ما رسیده، نیکو بخوانیم، آیا گنه‌کاریم؟ فرمود: نه، همان‌گونه که آموخته‌اید، بخوانید. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۳۳)

مطابق بررسی انجام شده تنها همین یک روایت در باب قرائت از امام کاظم علیه السلام صادر شده است.

## ۴-۱-۲. اسباب النزول

با توجه به بررسی انجام شده از امام کاظم علیه السلام یک حدیث در ارتباط با سبب نزول رسیده است. اسباب نزول عبارت است از: اموری که یک یا چند آیه و یا سوره‌ای در پی آن‌ها و به خاطر آن‌ها نازل شده است و این امور در زمان نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله روی داده باشد. (حجتی، ۱۳۸۶، ص ۲۰/ نیز ر.ک: حکیم، ۱۴۰۳، ص ۳۷، بابایی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱)

محمد بن فضیل از امام کاظم علیه السلام درباره آیه «لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا» (جن: ۲۱) پرسید. امام علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را به ولایت علی علیه السلام دعوت کرد، قریش گرد او جمع شدند و گفتند: ای محمد ما را از آن معاف دار، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این کار با خداست، با من نیست، او را متهم ساختند و از نزد او بیرون رفتند. پس خداوند عز و جل این آیه را نازل کرد: «قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا» (عروسی حویزی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۴۴۰)

## ۴-۱-۳. خواص و فضایل سور

نوع دیگر از گفتارهای قرآنی موسی بن جعفر علیه السلام روایاتی است که امام علیه السلام در آن به بیان برخی از فضایل و خواص سور و آیات قرآن می‌پردازد. منظور از فضیلت ثواب و آثار اخروی، قرائت آیات و سوره‌های قرآن است. (ر.ک: مرکز الثقافة و المعارف القرآنیة، ۱۴۱۶، ص ۲۶۱ و ۲۶۹)

منظور از خواص، آثار دنیوی آیات و سوره‌های قرآن کریم است (ر.ک: همان، ص ۲۷۹) که در آن برای محفوظ ماندن از دزد و درنده و امراض توصیه‌هایی شده است.

امام کاظم علیه السلام در فضیلت سوره فرقان فرمود: قرائت آیه «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ» را ترک مکن. هر کسی آن را در هر شب قرائت کند، هرگز عذاب نمی‌شود و مورد حسابرسی قرار نمی‌گیرد و منزل او در فردوس اعلی است. (عروسی حویزی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲)

امام علیه السلام فرمود: هر کس در تعقیب نماز صبح و نماز مغرب قبل از آنکه پاهایش را دولا کند یا با کسی سخن بگوید، بگوید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب: ۵۶) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ، خداوند صد حاجت از او را، هفتاد در دنیا و سی در آخرت برآورده کند. راوی گوید: گفتیم: اما معنی درود خدا و ملائکه و مؤمن چیست؟ فرمود: درود خداوند، رحمتی از جانب خداست و درود ملائکه، ستایشی از آنان برای اوست، و درود مؤمنان، دعا از جانب آنان برای اوست. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۰۲)

موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: هر کسی که در سفر باشد و از دزد و درنده بترسد، باید بر یال مرکبش بنویسد: «لَا تَخَافُ دَرْكًا وَلَا تَخْشَى» (طه: ۷۷) پس او به اذن خداوند عز و جل امان یابد. (عروسی حویزی، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۳۸۵)

### نتیجه‌گیری

شناخت گفتارهای قرآنی ائمه علیهم السلام و گونه‌های آن از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. امام موسی کاظم علیه السلام (ش ۱۸۳) فقیه‌ترین اهل زمان خود و حافظ‌ترین مردم نسبت به قرآن بود. او در دوران امامت سی و پنج ساله خویش، با وجود همه محدودیت‌ها نقش ارزنده‌ای در احیای معارف قرآنی ایفا کرد.

گفتارهای قرآنی امام کاظم علیه السلام که ۲۷۵ روایت است، قابل تقسیم به انواعی است: ۱. روایات تفسیری ۲. روایات تأویلی ۳. روایات تطبیقی ۴. استشادات ۵. روایات مربوط به علوم قرآنی.

بخش اعظم گفتارهای قرآنی ایشان را روایات تفسیری تشکیل می‌دهد که ۱۱۲ روایت است، یعنی روایاتی که در طی آن، امام علیه السلام معنای ظاهری آیات را بیان کرده است. استشادات امام علیه السلام به قرآن از حیث فراوانی در مرتبه بعد از روایات تفسیری است که ۸۱ روایت است. این استشادات در مورد موضوعات کلامی و فقهی است که خود ناشی از اوضاع و شرایط عصر امام علیه السلام یعنی وجود مکاتب فقهی و مذاهب کلامی متعدد است.

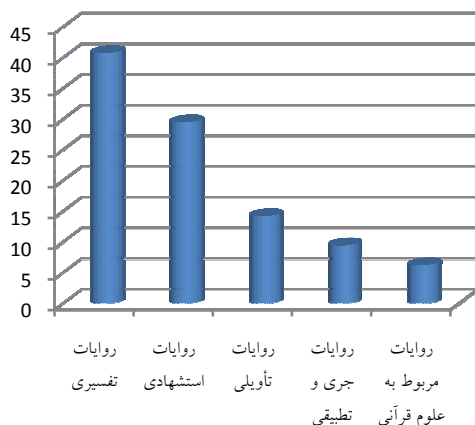
روایات تأویلی، آن دسته از روایاتی است که به بیان معنای باطنی آیه اختصاص دارد و ۳۹ روایت است.

روایات تطبیقی، روایاتی است که به بیان مصداق انحصاری، عمومی و یا اکمل آیات می‌پردازد و ۲۶ عدد است. کوچک‌ترین بخش گفتارهای قرآنی امام علیه السلام روایات علوم قرآنی است که ۱۷ روایت است و در سه محور اسباب نزول، فضایل و خواص سور و قرائت عرضه شده است.

- |  |  |   |   |
|--|--|---|---|
|  | تبیین واژه‌های قرآنی<br>تبیین موضوعات مصطلح شرعی<br>شرح و توضیح آیات | } | ۱. روایات تفسیری                              |
|  | ۲. روایات تأویلی (بطن)<br>۳. روایات جری و تطبیقی                     | } | مصداق انحصاری<br>مصداق اکمل<br>مصداق عمومی    |
|  | استشهدات اعتقادی<br>استشهدات فقهی                                    | } | استشهدات به نص آیات<br>استشهدات به مضمون آیات |
|  | قرائات<br>اسباب نزول<br>خواص و فضایل سور                             | } | ۵. روایات مربوط به علوم قرآنی                 |

جدول گفتارهای قرآنی امام موسی کاظم علیه السلام

درصد	تعداد	روایات
۷۲.۴۰	۱۱۲	روایات تفسیری
۴۵.۲۹	۸۱	روایات استشهدی
۱۸.۱۴	۳۹	روایات تأویلی
۴.۹	۲۶	روایات جری و تطبیقی
۱۸.۶	۱۷	روایات مربوط به علوم قرآنی

نمودار گفتارهای قرآنی امام موسی کاظم علیه السلام

## پی‌نوشت‌ها:

۱. برای مثال، «ما أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۴۳) در روایات زیادی آمده است مراد از اهل ذکر در آیه اهل بیت علیهم السلام هستند. (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۲۳/ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۵) بیشتر مفسران با در نظر گرفتن سیاق آیه، مخاطب را مشرکین دانسته و اهل ذکر را اهل کتاب تفسیر کرده (ابن‌کنیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۴۹۳/ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۱۴۳/ قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۱۱، ص ۱۰۸/ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰، ص ۲۱۱/ طبرسی، ۱۳۷۷ق، ج ۲، ص ۲۸۹/ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۸۵) اما فیض کاشانی، روایات را بر سیاق آیات ترجیح می‌دهد، و بر آن است که از این روایات استفاده می‌شود. مخاطب آیه مؤمنانند نه مشرکان، و این در صورتی صحیح است که آیه در ردّ سخن مشرکان نباشد و یا جمله فسئلوا... را جمله استینافیه در نظر بگیریم. قابل قبول نیست مشرکینی که خدا و رسول را قبول ندارند، امر شوند از اهل بیت علیهم السلام سؤال کنند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۳۶) علامه طباطبایی ضمن توجه به سیاق در تفسیر آیه، روایات را نیز به زیباترین وجه توضیح داده‌اند. ایشان مخاطب آیه را پیامبر صلی الله علیه و آله و قومش می‌دانند، به این معنا که مشرکان سؤال می‌پرسند، و مؤمنین بی‌نیاز از پرسش‌اند. اهل ذکر در این آیه، اهل کتاب به‌ویژه یهودند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۵۷) ایشان روایات را ناظر به مورد آیه نمی‌دانند و بر آن‌اند اگر آیه با قطع نظر از مورد در نظر گرفته شود، قول عام است و هر سائل، مسئول و مورد سؤالی را شامل می‌شود و روایات متعرض مورد آیه نشده است. بدیهی

است که مورد به تنهایی مخصص نیست، پس مسئول هرچند از نظر مفهوم عام است، از نظر مصداق خاص است و مراد از آن، اهل بیت (علیهم السلام) است. علامه با توجه به مفهوم ذکر در قرآن، اهل بیت را بارزترین مصداق اهل ذکر می‌داند. (همان، ج ۱۲، ص ۲۸۵) معرفت نیز با بیانی زیبا روایات را مفاد باطن آیه دانسته است. (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۷۰-۴۷۱)

۲. ر.ک: علی‌بخشی، ۱۳۸۸.

۳. معانی مختلفی برای تأویل ذکر کرده‌اند: ۱. تفسیر کلام (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۹ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۱۵) ۲. برگرداندن معنای ظاهری لفظ به معنای غیرظاهر (جرجانی، ۱۴۱۱ق، ص ۶۵) ۳. باطن لفظ. برداشت از ظاهر قرآن، تفسیر و فهم باطن قرآن، تأویل آن است. (معرفت، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۵) و ...

### منابع

۱. ابراهیم حسن، حسن؛ تاریخ سیاسی اسلام؛ ابوالقاسم پاینده، چ ۹، تهران: جاویدان، ۱۳۷۶.
۲. ابن حنبل، احمد؛ المسند؛ بیروت: دار صادر، بی تا.
۳. ابن صباغ، محمد بن مالکی؛ الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة؛ نجف: مطبعة العدل، بی تا.
۴. ابن کثیر، محمد؛ البدایة و النهایة؛ چ ۴، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
۵. \_\_\_\_\_؛ تفسیر القرآن العظیم؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ چ ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۷. احسانی فر لنگرودی، محمد؛ اسباب اختلاف الحدیث؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵.
۸. امین، محسن؛ اعیان الشیعه؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۹. بابایی، علی اکبر و دیگران؛ روش تفسیر قرآن؛ به کوشش محمود رجیبی، چ ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۱۰. بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۱۱. جرجانی، علی بن محمد؛ التعریفات؛ بیروت: دارالکتب البستانی، ۱۴۱۱ق.
۱۲. جعفریان، رسول؛ تاریخ ایران اسلامی؛ چ ۷، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۷.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم: تفسیر قرآن کریم؛ چ ۳، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۱.
۱۴. الجوهری؛ الصحاح؛ چ ۴، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۱۵. حجتی، محمدباقر؛ اسباب النزول؛ چ ۱۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.

۱۶. حرانی، ابن شعبه؛ تحف العقول عن آل الرسول؛ ج ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۷. حکیم، محمدباقر؛ علوم القرآن؛ تهران: المجمع العلمي الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
۱۸. دهخدا، علی اکبر؛ لغت‌نامه؛ تهران: دانشگاه تهران، بی تا.
۱۹. دیاری بیدگلی، محمدتقی؛ «نقش و کارکرد روایات تفسیری معصومان علیهم السلام با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی»؛ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
۲۰. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان؛ میزان الاعتدال فی نقد الرجال؛ دارالفکر، بی تا.
۲۱. ذهبی، محمدحسین؛ التفسیر والمفسرون؛ بیروت: دار الازم، بی تا.
۲۲. زحیلی، وهبة بن مصطفى؛ التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج؛ بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.
۲۳. زرقانی، محمد عبدالعظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق.
۲۴. زرکلی، خیرالدین؛ الاعلام؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۹۹م.
۲۵. سیوطی، جلال‌الدین؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور؛ قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۲۶. شاکر، محمدکاظم و علی اکبر بابایی؛ باطن و تأویل قرآن؛ ج ۱، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، ۱۳۸۱ش.
۲۷. صبحی صالح؛ مباحث فی علوم القرآن؛ ج ۱۸، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰م.
۲۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ عیون اخبار الرضا؛ ج ۱، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۲۹. \_\_\_\_\_؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳۰. صفار، محمد بن حسن؛ بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد؛ تهران: منشورات الاعلمی، ۱۳۶۲ش.
۳۱. طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۲. \_\_\_\_\_؛ قرآن در اسلام؛ ج ۹، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ش.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن؛ اعلام الوری باعلام الهدی؛ قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.
۳۴. \_\_\_\_\_؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۳۵. \_\_\_\_\_؛ جوامع الجامع؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۳۶. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۳۷. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ تحقیق سید احمد حسینی، ج ۲، مکتبه النشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.

۳۸. طوسی، محمد بن حسن؛ تهذیب الاحکام؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ ش.
۳۹. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ نورالتقلین؛ قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۴۰. علی بخشی، معصومه؛ «روش شناسی گفتارهای قرآنی امام موسی بن جعفر علیه السلام»؛ پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، استاد راهنما: بی بی سادات رضی بهابادی، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۸.
۴۱. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی؛ تهران: علمیه، ۱۳۸۰.
۴۲. رازی، فخرالدین محمد بن عمر؛ مفاتیح الغیب؛ دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۴۳. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ قم: هجرت، ۱۴۱۰ق.
۴۴. فضلی، عبدالهادی؛ مقدمه ای بر تاریخ قرائت قرآن کریم؛ ترجمه سید محمدباقر حجتی، ج ۳، بی جا: اسوه، ۱۳۷۸.
۴۵. فیض کاشانی، ملاحسین؛ تفسیر الصافی؛ تهران: الصدر، ۱۴۱۵ق.
۴۶. قرشی، شریف باقر؛ تحلیلی از زندگانی امام موسی کاظم علیه السلام؛ ترجمه محمدرضا عطایی، قم: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، بی تا.
۴۷. قرشی، سید علی اکبر؛ احسن الحدیث؛ ج ۳، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
۴۸. قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لاحکام القرآن؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵.
۵۰. مرکز الثقافة و المعارف القرآنیة؛ علوم القرآن عند المفسرین؛ قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۶ق.
۵۱. معرفت، محمدهادی؛ التفسیر و المفسرون فی ثبوت التفسیر؛ مشهد، الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیه، ۱۴۱۸ق.
۵۲. \_\_\_\_\_؛ التمهید فی علوم القرآن؛ ج ۳، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۵۳. \_\_\_\_\_؛ علوم قرآنی؛ قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۸.
۵۴. مفید، محمد بن محمد بن النعمان؛ الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، بی جا: انتشارات علمیه اسلامیه، بی تا.
۵۵. \_\_\_\_\_؛ الاختصاص؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۵۷. مهریزی، مهدی؛ «روایات تفسیری شیعه، گونه شناسی و حجیت»؛ مجله علوم حدیث، دانشکده علوم حدیث، شماره ۵۹، ۱۳۸۹.
۵۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ الغیبه للنعمانی؛ ج ۱، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۹ق.